



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۰۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت و گوی صبا با بهاره رهنما

نویسنده، کارگردان و بازیگر نمایش «دورهمی بانوی اول»

فرزند تئاتر هستم، نه دختر سینما

درباره نورپردازی و موسیقی توضیح دهید.

نور در این نمایش، حرف‌های ویژه‌ای برای گفتن دارد. برای هر شخصیت و موقعیت، نور تعریف خاصی دارد. ابتدا ۱۶ خط نوری برای کار طراحی شده بود، اما در نهایت، آقای دلریش نزدیک به ۳۲ خط نوری را برای این نمایش تعریف کرد. همچنین نیاز داشتیم گروه موسیقی‌ای داشته باشیم که هویت مستقلی روی صحنه داشته باشند، نه اینکه فقط موسیقی اجرا کنند. بدون این گروه، اجرای نمایش بسیار دشوار می‌شد.

راجع به تلفیق تصویر با نمایش بگویید.

در این نمایش، تهیه‌کننده‌ای مشترک وارد شد و بخشی از هزینه‌های کار را به عهده گرفت. دلیل همکاری ما این بود که نیاز داشتیم پشت صحنه، وال بزرگی داشته باشیم. همیشه اجراهای من به سمت تئاتر اپیک و ارتباط مستقیم با مخاطب حرکت کرده‌اند. اگر دقت کنید، حتی لباس‌ها هم هویت خاصی ندارند. سبک تئاتر من، همیشه از فضای کاملاً رئال فاصله گرفته است. به همین دلیل، نیاز داشتم که در بالای صحنه، تلفیقی از تصویر و حس وجود داشته باشد. در این اجرا، علاوه بر موسیقی، هنر هفتم یعنی سینما نیز وارد شده است.

چه چیزی باعث می‌شود که خانم رهنما تئاتر را رها نکند؟

یکی از دلایل علاقه من به تئاتر، اولین معلم بازیگری‌ام بود، خانم فهیمه راستکار را خدا رحمت کند، ایشان از دوستان نزدیک پدرم و آقای دریاپندی بودند و من بخشی از کودکی و نوجوانی‌ام را در کنار این دو بزرگوار سپری کردم. از نگاه من، تئاتر مانند آن چوب جادویی است که فرشته‌ها برای متوقف کردن زمان از آن استفاده می‌کنند. وقتی اولین جمله نمایش گفته می‌شود، همه تماشاگران فریز می‌شوند. تئاتر برای من بعد از پریادختر، رسالتی مهم و خانه اصلی‌ام است. همیشه گفته‌ام که سفر من از این جهان نیز از روی صحنه تئاتر خواهد بود.

تئاتر یا سینما؟

همیشه اگر بین سینما و تئاتر حق انتخاب داشته باشم، تئاتر را ترجیح می‌دهم، حتی اگر سینما دستمزد بیشتری داشته باشد. از نظر من، انرژی، همان پول است. یعنی فقط پول مادی نیست، بلکه حال خوب و سلامت روحی‌ای که یک اثر هنری به فرد می‌دهد، ارزشی برابر با ثروت دارد. سینما را نفی نمی‌کنم، اما همیشه حس کرده‌ام که فرزند تئاتر هستم، نه دختر سینما. خدا را شکر که در این مسیر پذیرفته شده‌ام.

نزدیک‌ترم، زمانی که متن را می‌خواندند، می‌گفتند نمی‌توانند حجم دیالوگ‌ها و حضور مستمر در اجرا را در این مدت کوتاه مدیریت کنند. برای نقش اوا براون، که اکنون نقشش را هدیه محقق ایفا می‌کند، انتخاب بسیار دشوار بود. چرا که این شخصیت سابقه کوهنوردی حرفه‌ای و فتح قله‌های جهانی داشت، قهرمان دو بود، مانکن بود و قد بلندی داشت. نمی‌شد هر کسی را برای این نقش انتخاب کرد، بنابراین گزینه‌ها بسیار محدود شدند. در میان انتخاب‌های محدود، تصمیم گرفتم هدیه عزیز را انتخاب کنم. درباره خانم السافیروز آذر هم باید بگویم از ابتدا نقش را برای ایشان نوشته بودم. در واقع به دنبال بازیگری بودم که هم ظریف باشد، هم بتواند سنین مختلف از ۱۴ سالگی تا ۵۰ سالگی را در چهره‌اش نشان دهد. این نقش را از ابتدا برای السافیروز نوشته بودم و خوشبختانه پذیرفت.

به عنوان کارگردان چگونه بازیگر انتخاب می‌کنید؟

به عنوان مدرس و کارگردان، همیشه در انتخاب بازیگر به نگاه او به هنر و رفتار انسانی‌اش توجه می‌کنم. هنر جو تنها به معنای فردی مبتدی نیست؛ بلکه کسی است که تا آخرین لحظه در حال یادگیری است. استاد عزیزم، خسرو شکیبایی، همیشه می‌گفت: «من می‌خواهم یاد بگیرم. اگر چیزی بلد هستی، به من یاد بده.» گاهی از فروتنی ایشان خجالت می‌کشیدم. من از نسلی هستم که تئاتر را معبد می‌دانستیم. ما روزشماری می‌کردیم که چه زمانی نوبت ما می‌رسد تا صحنه را تمیز کنیم، آن را جارو بزنیم، امروزه، برخی بازیگران تئاتر حتی حاضر نیستند یک میزانشن را اجرا کنند چون حس می‌کنند به غرورشان لطمه می‌زند. این موضوع برای من عجیب است.

چه شد سالن حافظ را برای اجرا انتخاب کردید؟ سه سوه بودن

سالن و سه گانه «دورهمی بانوی اول» اتفاقی بود؟ این مثلث، مفهومی دارد و باید همین شکل را حفظ کند، به همین علت حتی اگر اجرا در سالن حافظ نبود، باز هم اجرای سه سوه را ترجیح می‌دادم چرا که انگار این زنان در یک چرخه باطل، دور خودشان می‌گردند. سالن حافظ را واقعا دوست دارم، برخلاف اینکه شاید برای بعضی‌ها اولویت انتخاب نباشد اما برای من همیشه بوده، چون در اجراهایی که آنجا داشتم، نظم، آرامش، مدیریت عالی و فضای تئاتری کاملاً مشهود بوده است. از بنیادودکی هم بسیار ممنونم، زیرا احساس کردم که حمایت خوبی از کارگردان‌هایی که در سالن حافظ اجرا می‌کنند دارند. از نظر من، سالن حافظ امنیتی دارد که به ارزش کار اضافه می‌کند.

پگاه زارعی

گفت و گو

در دنیای تئاتر، اجرا فقط نمایش صحنه‌ها نیست، بلکه پیوندی عمیق میان احساس، موسیقی، و روایت است. بهاره رهنما، نویسنده، کارگردان و بازیگری که از تئاتر به عنوان جادوی زندگی یاد می‌کند، در «دورهمی بانوی اول»، تازه‌ترین اثرش، داستان زانی را روایت می‌کند که در چرخه بی‌پایان تاریخ گرفتار شده‌اند. در این نمایش السافیروز آذر و هدیه محقق در کنار او روی صحنه سالن حافظ به ایفای نقش می‌پردازند. به همین منظور با بهاره رهنما به گفت‌وگو پرداختیم.

ایده کلی نمایشنامه «دورهمی بانوی اول» چگونه شکل گرفت؟ چه چیزی باعث شد که به این موضوع فکر کنید؟

در طول سال‌های تدریس و فعالیت، بارها با دختران و زنانی روبه‌رو شده‌ام که آسیب‌های جدی از زندگی با مردان خودشیفته دیده‌اند. خود من نیز در مقطعی از زندگی‌ام تجربه‌هایی از این دست داشتم و خوشبختانه توانستم از آن شرایط خارج شوم. مدتی پیش چند کتاب به دستم رسید. یکی از آن‌ها درباره خواهرزن و برادر بن‌لادن بود و کار من، نویسنده کتاب، از زندگی در میان قبایل آن‌ها و تجربه‌هایش نوشته بود. چند روز بعد، کتابی درباره «زنان دیکتاتورها» و سپس کتاب دیگری در مورد دختر استالین به دستم رسید و از آنجایی که معتقدم کتاب‌ها تصادفی به دست آدم نمی‌رسند و هر کدامشان پیامی دارند، تصمیم گرفتم اثری جدید خلق کنم.

در این نمایش هم کارگردان، هم نویسنده و هم بازیگر هستید، این تداخل تاثیر بر یک دیگر نداشته است؟

واقعیت این است که ابتدا قصد نداشتم در نمایشنامه جدیدم بازی کنم، اما نقش موردنظر به شدت شبیه خود من بود، سرشار از انرژی، شور، و کلمات. وقتی وارد صحنه می‌شد، همه می‌گفتند انگار صد‌ها زنگوله و بوق همراهش دارد. زمان برای انتخاب بازیگر کم بود، اما واقعا دوست دارم در آینده نقش‌هایی که می‌نویسم را با بازیگران جوان‌تری اجرا کنند، نه اینکه همیشه خودم بازی کنم.

از پروسه انتخاب بازیگران هم برایمان بگویید.

انتخاب بازیگر برای این پروژه بسیار سنگین بود. تا جایی که دوستان

